

نگاهی به آیین‌های نوروزی در فضاهای جمعی شیراز، اصفهان، مراغه و دلواری

شهر، نوروز و خاطره جمعی



علی یگانه‌نسب

خیلی‌هایمان یک اتفاق در یک روز خاص در یک نقطه از یک شهر را پس ذهن نگه داشته‌ایم و تمام خاطراتی که از آن شهر داریم به همین یک نقطه خلاصه می‌شود؛ حس تعلق یک انسان به یک شهر، شهری که بدون انسان‌ها چیزی جز در و دیوار و آجر و بتن ندارد، اما عجیب اینکه فقط چند سال می‌شود که در شهرسازی ایران این مفهوم و حضور انسان در فضاهای شهر و حس تعلق او اهمیت پیدا کرده است. از روزی که این اهمیت در نگاه شهرسازان پررنگ شد و توقع مردم را سوق داد، خاطره‌انگیزی و امکان ثبت خاطره‌های جمعی به عنوان یکی از شاخص‌های هدف در برنامه‌ریزی و طراحی شهری محسوب می‌شود. حال کافی ست بهانه‌ای مانند نوروز هم دم‌دست باشد تا هم سیل انسان‌ها به فضاهای شهری سرازیر شود، هم آیین‌ها و سنت‌ها به احترام بهار شکوفا شوند؛ مردم ایران این بهانه را خوب بلدند تا به اندازه تمام شهرها و تمام روزهایی که در ایام نوروز به سفر رفته‌اند، خاطره جمعی بسازند، البته اگر مدیریت شهری بگذارد.

«حفظ رویدادها، نماها و بناهایی که خاطره جمعی را حفظ می‌کند، باید یکی از اولویت‌های شهری باشد اما متأسفانه در موارد زیادی دیده می‌شود که یا شهرداری شخصا دست به تغییر ناپایست در آن می‌زند، یا مجوزهایی که صادر می‌کند باعث آسیب به فضاهای خاطره‌انگیز شده است. تخریب آبنمای بلوار دانشجویی شیراز یا تغییر مبلمان چهارباغ اگرچه شاید به ظاهر موضوعات چندان جدی‌ای نباشد، اما نمونه‌هایی هستند که اعتراض مردم را در پی داشته، چون با خاطره جمعی عین شده است». این موضوع را احمد تنوری، دکترای تاریخ و تمدن می‌گوید و ادامه می‌دهد: «البته در سال‌های اخیر ایجاد پیاده‌راه‌ها و میدانگاه‌ها باعث شده تا فضاهای شهری با حضور مردم تبدیل به بستری برای خاطره جمعی شود که اگر الگوبرداری و تقلید کورکورانه از طرح‌های پیاده‌محور دیگر شهرها و کشورها را کنار بگذاریم، یک اتفاق مثبت در حوزه شهرسازی کشور محسوب می‌شود. رشت و سنندج از جمله شهرهای موفق در این زمینه هستند و توانسته‌اند علاوه بر رونق بخشیدن به کسب‌وکارها، خاطره خوشی نیز برای گردشگران ایجاد کنند».

او معتقد است: «بخشی از فضاها و بناهای شهری جزئی از خاطره جمعی محسوب می‌شوند که در بعضی از شهرها متعلق به مردم آن شهر و در برخی دیگر مانند شیراز، یزد و اصفهان متعلق به تمام مردم ایران است. در صورتی که مدیریت شهری در سال‌های اخیر نسبت به خاطره جمعی بی‌توجه بوده است. ما در ایران شهرهایی داریم که برخی افراد به‌صورت ادواری به آن سفر می‌کنند و بازار گردشگری این شهرها مشتریانی دارد که به‌صورت مستمر مسافر آن می‌شوند؛ بنابراین تعلق خاطر نیز به این شهرها بیشتر بوده و هرگونه مداخله در فضای شهری نیاز به دقت ویژه دارد. کار دیگری که نباید شهرداری‌ها انجام دهند، دستکاری مواردی است

که نیاز به تغییر ندارند. تنوری می‌گوید: «مزیت بزرگی که برگزاری مراسم در فضاهای عمومی دارد، وجه مردمی آن است و همین موضوع باعث تداوم بسیاری از سنت‌ها پس از سال‌ها می‌شود. بنابراین اگر در پی تداوم یا احیای دوباره این سنت‌ها هستیم، باید بخش خصوصی را برای ایجاد جاذبه‌های گردشگری نوروز آزاد بگذاریم. در صورتی که در این سال‌ها اغلب برنامه‌ریزی‌ها از طرف مدیریت شهری انجام شده است، این جاذبه‌ها باید مبتنی بر پیشینه تاریخی هر شهر باشد، اجرای موسیقی محلی می‌تواند یکی از آنها باشد. البته به شرط آنکه نهادهای عمومی و حاکمیتی دخالت مستقیمی در آن نداشته باشند». تنوری اهل شیراز است و نمونه این دخالت را از شهر خود می‌آورد: «این موارد گاهی بسیار کوچک است، اما تبعات زیادی را به همراه دارد. برای مثال، نوروز ۹۸ بود که با وجود مخالفت‌ها نسبت به تصمیم شهرداری، افرادی که با پرند اطراف حافظیه فال می‌فروختند جمع‌آوری شدند. درحالی‌که این اتفاق سبب اشتیاق مسافران بود و حتی گردشگران خارجی نیز

که ذهنیتی از فال‌گرفتن نداشتند، از اینکه مردم ایران برکه شعر را می‌خرند ذوق‌زده می‌شدند و خودشان نیز می‌خریدند، اما با تصمیم شهرداری این افراد جمع‌آوری شدند و بعد از آن هم فال‌فروشی دیگر رونق گذشته را پیدا نکرد». او ادامه می‌دهد: «نوروز در اغلب شهرهای ایران با حضور مردم در فضاهای عمومی شاخص معنا می‌شود؛ این موضوع مختص ایران نیست و در گستره فرهنگ نوروز، آغاز بهار به همین شکل گرامی داشته می‌شود. به‌طور مثال در غرب ایران به شکل افروختن مشعل و رفتن به کوه معنا پیدا می‌کند و در مناطق مرکزی اقشاری از جامعه در جوار حرم‌های امامزادگان تجمع می‌کنند و بخشی دیگر در مجاورت عرفا و شعریایی مانند حافظ و سعدی و بعضی نیز در عرصه بناهایی که منسوب به ایران باستان است گردهم می‌آیند؛ البته انعکاس رسانه‌ای و توسعه فضاهای این چنینی در سال‌های اخیر بیشتر معطوف به حرم‌ها بوده است». نوروز برای هر شهری رنگ متفاوتی دارد؛ بعضی‌ها سعی می‌کنند برای هر لحظه مسافر و حتی همشهریان خود برنامه‌ریزی کنند و بعضی دیگر به چند کار ساده بسنده می‌کنند، و همه اینها منجر به همان خاطره جمعی می‌شود. اصفهان جزو دسته اول است؛ شهری که کم‌جاذبه گردشگری ندارد، اما همه توقع دارند اگر نوروز به اصفهان آمدند، چیز متفاوتی ببینند و همین موضوع کار را سخت می‌کند.

مجتبی شاهمرادی، معاون شهردار اصفهان می‌گوید: «بعد از شیوع کرونا در ایران ارزش فضاهای عمومی شهری را درک کردیم و فهمیدیم چه عرصه‌های ارزشمندی برای برپایی رویدادهای مختلف هستند. برنامه‌ها از داخل سالن‌ها بیرون آمد و اهمیت فضاهای عمومی ناخودآگاه یادآوری شد. در اصفهان نیز سعی شده ضرباهنگ برگزاری برنامه‌های فرهنگی در عرصه‌های عمومی شهر بیشتر شود و می‌توان ادعا کرد که نزدیک به ۷۰ درصد برنامه‌های فرهنگی شهرداری اصفهان در عرصه عمومی مانند خیابان‌ها، میدانگاه‌ها، پارک‌ها و عرصه بناهای تاریخی برگزار شده است».

او به اهمیت برگزاری برنامه در فضاهای عمومی اشاره و اضافه می‌کند: «احساس زنده‌بودن شهر برای شهروند بیشتر خواهد شد مانند تپش قلب و جاری شدن خون در رگ، مردم می‌بینند که چقدر شهر باشناط و سرزند است بدین سبب حس تعلق مردم نسبت به فضاهای عمومی شهر بیشتر شده و ارزش آن فضا در خاطر آنها پررنگ می‌شود. نتیجه این اتفاق، ایجاد خاطره مشترک برای ساکنان یک شهر است، خاطره‌ای که بعدها تبدیل به تاریخ یک شهر می‌شود و امیدوارم همه شهرها به اجرای برنامه در فضاهای عمومی توجه کرده و این روند رو به جلو باشد».

اصفهان برای ساختن خاطره مشترک همه چیز دارد، اما روح کمال‌گرای آن باز هم بیشتر می‌خواهد؛ همین شد که از چند سال پیش اجرای برنامه در فضاهای عمومی نیز در دستور کار قرار گرفت و احیاگر گذشته این شهر شد. شاهمرادی در این مورد می‌گوید: «از سال گذشته برای ایام نوروز عرصه‌هایی تعیین شد تا تمرکز برنامه‌ها در این عرصه‌ها باشد، برای مثال کوه صفا عرصه هیجان، منطقه نازوان عرصه سلامت، باغ غدیر عرصه بازی و سرگرمی،

گلستان شهدا عرصه ایثار و شهادت، تخت فولاد عرصه معنویت و میدان امام علی (ع) عرصه اصفهان قدیم تعیین شده بود».

او می‌افزاید: «در میدان امام علی (ع) تلاش شد اصفهان قدیم بازسازی شود زیرا این شهر از دوران پیش از صفویه نیز دارای رونق بوده که به دلایلی صفویه پررنگ‌تر است، اما میدان امام علی (ع) فعلی یک میدان سلجوقی بوده و سال گذشته رویدادی برای بازسازی اصفهان آن زمان در آن برگزار شد. البته در کنار این عرصه‌ها سعی شد آسایش گردشگران نیز در نظر گرفته شده و چهارباغ و میدان امام به عنوان عرصه آرا در نظر گرفته شد؛ زیرا حجم بالای گردشگر عموماً امکان اجرای برنامه را در این مکان‌ها می‌گیرد، بنابراین دیگر ترجیح می‌دهیم افراد با آرامش در فضای عمومی شهر حضور یابند. برای نوروز امسال تغییراتی به دلیل تقارن با ماه رمضان در این برنامه‌ها ایجاد می‌شود که بعد از افطار عرصه خوراک و افطار همگانی و عرصه قرآن و عترت نیز اضافه خواهد شد». همه شهرها کثر جاذبه‌های اصفهان را ندارد، آن قدر هم درآمد و عرصه شهری ندارند که بتوانند برای جزء به جزء حضور گردشگران برنامه‌ریزی کنند، اما می‌توانند با کارهای ساده، حضور خاطره‌انگیزی برای گردشگران ایجاد کنند. دلواری و مراغه دو شهر کوچک در جنوب و شمال ایران و مشتتی نمونه این خروار هستند. یوسف توسلی، شهردار دلواری می‌گوید: «می‌دانیم که شهر یک موجود زنده است، بنابراین رفتار مدیریت شهری نیز باید به نحوی باشد که این ویژگی شهر را دچار آسیب نکند. بدین سبب فضاهای شهری با رعایت بعضی نکات می‌تواند سبب ارتقای نشاط شهروندان، محلی برای ابراز احساسات و بستری برای اثبات وجود آنها شود».

او می‌افزاید: «شهر بندری دلواری مانند دیگر شهرهای گردشگری‌پذیر کشور در نوروز میزبان افراد زیادی از نقاط مختلف کشور است؛ شهری دارای فضای تفرجگاهی و ساحلی بکر و دست‌نخورده و محیط زیست پاک، طبیعی و یکدستی که رفتارهای مدیریت شهری را نیز مبتنی بر خود هدایت کرده است. همین مزیت‌ها باعث شده تا بخش بزرگی از لذت‌بخش بودن فضای شهری دلواری با سادگی تمام آن قدر دوست‌داشتنی باشد که شهرداری صرفاً شرایط استفاده بهتر گردشگران در آن فضا را فراهم کند. به همین دلیل شهرداری با ایجاد چند حمام ساحلی و سرویس بهداشتی، پیش‌بینی مخازن زباله، بهبود روشنایی و برگزاری رادیو ساحل، شرایط رفاهی شهر را تکمیل می‌کند؛ به نحوی که با وجود امکانات محدود دلواری مانند دیگر شهرهای کوچک، شاهد ماندگاری چندروزه گردشگران نوروزی در آن هستیم». توسلی ادامه می‌دهد: «دلواری شهری است که میراث‌دار شجاعت رئیسعلی دلواری بوده و به عنوان شهر مقاومت در برابر استعمار شناخته می‌شود. این شهر در زمان رئیسعلی یک روستا بوده و سعی کرده‌ایم در دیگر فضاهای شهر نیز با احیای سنت‌های بومی و ترویج لباس محلی، حس تعلق خاطر به این شهر را بیشتر کنیم».

مراغه هم همین سیاست را در پیش گرفته است؛ شهری که یک رودخانه از آن می‌گذرد و این رودخانه بستری اجرای سنت‌های زیبایی شده است. محمد مقتولی، شهردار مراغه می‌گوید: «رودخانه چهارفصل صوفی چای» در مراغه هر ساله میزبان مسافران نوروزی است. بازی‌های بومی محلی و موسیقی زنده در امتداد رودخانه اجرا می‌شود و مردم و گردشگران هنگام سال تحویل در سرتاسر رودخانه تجمع کرده و از آن برای زندگی خود در سال پیش‌رو برکت می‌گیرند». او می‌گوید: «شهرداری به اجرای این سنت‌ها ورود چندانی ندارد و سعی می‌کنیم صرفاً برنامه‌های فرهنگی را ویژه هریک از روزهای تعطیلات نوروز برگزار کنیم، زیرا این سنت‌ها مبتنی بر حضور و حرکت مردم هستند. مراغه شهری تاریخی است که فضاهای تاریخی زیادی دارد مانند رصدخانه؛ برای همین فضاهای اطراف آن را آماده می‌کنیم، سعی می‌کنیم مردم را در همراهی سنت‌ها آزاد بگذاریم زیرا این فضاها به خودی خود گردشگران را به سمت شهر مراغه جذب می‌کنند».

این بار که هنگام نوروز با از شهر خود فراتر گذاشتید، مقصد را با این چشم نگاه کنید که جایی برای ساختن خاطره جمعی برایتان باشد. خاطره‌ای که از نسل‌های گذشته به دستتان رسیده و باید به دست بعدی‌ها بسپارید.



عسل فارسی